



# تاریخ فلسفه

بر اساس متن اصلی

[www.ketab.ir](http://www.ketab.ir)

ویل دورانت | حسین پیران

کتاب ۵ | پاییز ۱۴۰۳  
فلسفه | تاریخ فلسفه

سرشناسه: دورانت، ویل، ۱۸۸۵-۱۹۸۱ م.

Durant, Will

www.ketab.ir

عنوان، و نام پدیدآور: تاریخ فلسفه / ویل دورانت [ مترجم ] حسین پیران

مشخصات نشر: مشهد، تگ، ۱۴۰۳

مشخصات ظاهری: ۷۲۸ ص.

شابک: 978-622-96617-8-9

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: The Story of Philosophy

یادداشت: کتاب حاضر توسط مترجمان و ناشران مختلف در سال‌های متفاوت منتشر شده است.

یادداشت: واژه‌نامه.

یادداشت: کتاب‌نامه به صورت زیرنویس.

یادداشت: نمایه.

موضوع: فلسفه

موضوع: Philosophy

موضوع: فیلسوفان

موضوع: Philosophers

شناسهٔ افزوده: پیران، حسین، ۱۳۳۵ - ، مترجم

رده‌بندی کنگره: B۷۲

رده‌بندی دیویی: ۱۹۰

شمارهٔ کتاب‌شناسی ملی: ۹۷۰۵۵۴۲

تاریخ فلسفه

The Story of Philosophy  
Will Durant



تگ‌های این کتاب فارسی با معانی بسیار، از جمله «دویدن» و «فریادزدن» و «ژرفا».

| 📞 ۰۵۱-۳۲۲۲۲۲۰۴ و ۳۸۴۷۸۷۹۲ | ✉ tagbookpub@gmail.com

| 📱 tagbookpub | 📺 tagbookpub |

این اثر با استفاده از منابع تجدیدپذیر تولید شده است.



در آرایش این اثر از قلم‌های w-Mitra و w-Nian و w-Ray در اوزان مختلف استفاده شده است.

نویسنده: ویل دورانت

مترجم: حسین پیران

صفحه‌آرایی: زهرا صالح‌نژاد

ویراستار: سعید رضادوست

لیتوگرافی: پارسا

چاپ: البرز

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۶۶۱۷-۸-۹

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۳

شمارگان: ۵۵۰

## فهرست

### دباجة مترجم ۱۱

- الف- در باب کتاب و مؤلف ۱۱
- ب- در باب ترجمه ۱۹
- ب-۱- سبب ترجمه ۱۹
- ب-۲- توضیحات متن ترجمه ۲۲

### دباجة مؤلف ۲۵

- فوائد فلسفه ۲۵

### فصل یکم: افلاطون ۳۳

- ۱- زادبوم افلاطون ۳۵
- ۲- سقراط ۳۹
- ۳- مسیر رشد افلاطون ۴۹
- ۴- مسأله اخلاقی ۵۴
- ۵- مسئله سیاسی ۵۸
- ۶- مسأله روانشناختی ۶۱
- ۷- چاره مسأله روانشناختی ۶۴
- ۸- چاره مسئله سیاست ۷۴
- ۹- چاره مسئله اخلاق ۸۲
- ۱۰- نقد ۸۵

### فصل دوم: ارسطو و علم یونانی ۹۵

- ۱- زمینه تاریخی ۹۷
- ۲- کارهای ارسطو ۱۰۲
- ۳- بنیاد منطق ۱۰۹
- ۴- ساماندهی علم ۱۱۴

- الف - علم یونانی پیش از ارسطو ۱۱۴
- ب - ارسطوی طبیعت‌گرا (ناتورالیست) ۱۱۸
- ج - بنیاد زیست‌شناسی ۱۲۰
- د - مابعدالطبیعه و ذات آفریدگار ۱۲۳
- ۶ - روان‌شناسی و ماهیت هنر ۱۲۶
- ۷ - اخلاقیات و حقیقت سعادت ۱۳۰
- ۸ - سیاست ۱۳۶
- یک - اهل اشتراک و اهل سنت (کمونیسم و محافظه‌کاری) ۱۳۶
- دو - ازدواج و آموزش و پرورش ۱۴۰
- سه - مردم‌سالاری (دموکراسی) و نخبه‌سالاری (آریستوکراسی) ۱۴۴
- ۹ - نقد ۱۴۸
- ۱۰ - سال‌های آخر و مرگ ۱۵۲

### فصل سوم: فرانسیس بیکن ۱۵۵

- ۱ - از ارسطو تا رنسانس ۱۵۷
- ۲ - زندگی و تأسیس بیکن ۱۶۷
- ۳ - مقالات ۱۶۷
- ۴ - بازسازی کلان ۱۶۷
- الف - پیشرفت دانش ۱۶۷
- ب - ارغنون نو ۱۹۴
- ج - آرمانشهر دانش ۲۰۲
- د - نقد ۲۰۵
- ۶ - سخن آخر ۲۱۲

### فصل چهارم: اسپینوزا ۲۱۵

- ۱ - شرح حال اسپینوزا ۲۱۷
- الف - سیر تاریخی پرماجرایی قوم یهود ۲۱۷
- ب - آموزش اسپینوزا ۲۲۰
- ج - تکفیر ۲۲۴
- د - کنج تنهایی و مرگ ۲۲۷
- ۲ - رساله دین و دولت ۲۳۶
- ۳ - بهبود نیروی فاهمه ۲۴۰
- ۴ - اخلاق ۲۴۳
- الف - طبیعت و خدا ۲۴۵
- ب - ماده و ذهن ۲۵۱



- ج- عقل و اخلاقیات ۲۵۶  
 د- دین و نامیرایی ۲۶۵  
 ۵- رساله سیاست ۲۶۸  
 ۶- تأثیر اسپینوزا ۲۷۵

## فصل پنجم: ولتر و عصر روشنگری فرانسه ۲۸۱

- ۱- پاریس؛ اودیپ ۲۸۳  
 ۲- لندن؛ نامه‌هایی درباره انگلیسی‌ها ۲۹۲  
 ۳- کاخ سیره؛ نوشته‌های داستانی ۲۹۵  
 ۴- پوتسدام و فردریک ۳۰۴  
 ۵- دلیس؛ مقاله در باب اخلاقیات ۳۱۰  
 ۶- فرنه؛ ساده‌دل ۳۱۴  
 ۷- دائرة المعارف و فرهنگ فلسفی ۳۲۲  
 ۸- این بساط را جمع کنید ۳۲۸  
 ۹- ولتر و روسو ۳۳۳  
 ۱۰- پرده آخر ۳۴۶

## فصل ششم: ایمانوئل کانت و ایده‌آلیسم انتزاعی ۳۵۱

- ۱- راهی که به کانت ختم شد ۳۵۳  
 الف- از ولتر تا کانت ۳۵۴  
 ب- از لاک تا کانت ۳۵۶  
 ج- از روسو تا کانت ۳۶۰  
 ۲- و اینک کانت ۳۶۳  
 ۳- نقد عقل نظری ۳۶۷  
 الف- محسوسات استعلایی ۳۷۰  
 ب- تحلیل استعلایی ۳۷۴  
 ج- دیالکتیک استعلایی ۳۷۶  
 د- نقد عقل عملی ۳۸۰  
 ه- دین و عقل ۳۸۳  
 و- سیاست و صلح جاودان ۳۸۷  
 ز- نقد و ارزیابی ۳۹۲  
 ح- اشاره‌ای به هگل ۳۹۹

## فصل هفتم: شوپنهاور ۴۰۹

- ۱- عصر شوپنهاور ۴۱۱

- ۲- شرح حال ۴۱۴
- ۳- جهان همچون تصور ۴۲۱
- ۴- جهان همچون اراده ۴۲۵
- الف- اراده زندگی ۴۲۵
- ب- اراده تولید مثل ۴۳۲
- ۵- جهان همچون شر ۴۳۷
- ۶- حکمت زندگی ۴۴۶
- الف- فلسفه ۴۴۶
- ب- نبوغ ۴۵۰
- ج- هنر ۴۵۲
- د- دین ۴۵۴
- ۷- حکمت مرگ ۴۵۶
- ۸- نقد ۴۵۹

#### فصل هشتم: هربرت اسپنسر ۴۶۹

- ۱- کُنت و داروین ۴۷۱
- ۲- سرگذشت اسپنسر ۴۷۳
- ۳- اصول نخستین ۴۸۷
- الف- ناشناختنی ۴۸۷
- ب- تکامل ۴۸۹
- ۴- زیست‌شناسی: تکامل حیات ۴۹۵
- ۵- روانشناسی: تکامل ذهن ۴۹۸
- ۶- جامعه‌شناسی: تکامل جامعه ۵۰۱
- ۷- فلسفه اخلاق: تکامل آئین‌های اخلاقی ۵۱۰
- ۸- نقد ۵۱۸
- الف- اصول نخستین ۵۱۹
- ب- زیست‌شناسی و روانشناسی ۵۲۱
- ج- جامعه‌شناسی و اخلاق ۵۲۲
- ۹- فرجام سخن ۵۲۵

#### فصل نهم: فردریش نیچه ۵۲۹

- ۱- آبخور نیچه ۵۳۱
- ۲- جوانی نیچه ۵۳۳
- ۳- نیچه و واگنر ۵۳۷
- ۴- سرود زرتشت ۵۴۵

- ۵- اخلاق پهلوانان ۵۵۱  
 ۶- آبرمرد ۵۵۹  
 ۷- انحطاط ۵۶۳  
 ۸- حکومت اشراف (آریستوکراسی) ۵۶۷  
 ۹- نقد ۵۷۴  
 ۱۰- فرجام سخن ۵۸۳

## فصل دهم: فیلسوفان معاصر اروپا: برگسون، کروچه، و برتراند راسل ۵۸۷

- ۱- هانری برگسون ۵۸۹  
 الف- شورش علیه مادیگری ۵۸۹  
 ب- ذهن و مغز ۵۹۲  
 ج- تکامل خلاق ۶۰۰  
 د- نقد ۶۰۶  
 ۲- پندتو کروچه ۶۱۱  
 الف- معروف ۶۱۱  
 ب- فلسفه روح ۶۱۴  
 ج- زیبایی چیست؟ ۶۱۴  
 د- نقد ۶۲۱  
 ۳- برتراند راسل ۶۲۳  
 الف- عالم منطق ۶۲۳  
 ب- اصلاح گر ۶۳۰  
 ج- فرجام سخن ۶۳۳

## فصل یازدهم: فیلسوفان معاصر امریکا: سانتیانا، جیمز، و دیوئی ۶۳۷

- مقدمه ۶۳۹  
 ۱- جرج سانتیانا ۶۴۱  
 الف- معرفی ۶۴۱  
 ب- شکاکیت و ایمان حیوانی ۶۴۳  
 ج- خرد در دانش ۶۴۶  
 د- خرد در مذهب ۶۵۰  
 هـ- خرد در جامعه ۶۵۵  
 و- نظر ۶۶۱  
 ۲- ویلیام جیمز ۶۶۴  
 الف- معرفی ۶۶۴  
 ب- عمل گرایی (پراگماتیسم) ۶۶۷



ج- کثرت‌گرایی ۶۷۰

د- نظر ۶۷۶

۳- جان دیوئی ۶۷۸

الف- تحصیلات ۶۷۸

ب- افزارگرایی ۶۸۱

ج- علم و سیاست ۶۸۴

نتیجه ۶۸۸

— واژه‌نامه ۶۹۱

فهرست اعلام ۷۰۷

## دیباچه مترجم

### الف- در باب کتاب و مؤلف

کتاب «تاریخ فلسفه» ویل دورانت، حکایت فلسفه از زمان پیدایش تا دوران معاصر است. این کتاب قریب به صد سال پیش از این نوشته شده ولی به طرزی شگفت‌آور تازگی و طراوت خود را حفظ کرده است و هنوز در جای جای جهان مطالعه می‌شود. هنوز کتاب زیر چاپ می‌رود و به فروش می‌رسد. طبعاً با توجه به اینکه در سه دهه اخیر نسخه‌های الکترونیکی آن در فضای مجازی به اشتراک گذاشته شده است، نمی‌توان تعداد خوانندگان آن را تخمین زد. ولی نسخ چاپی آن هنوز به طبع رسیده و در کتابفروشی‌های حقیقی و مجازی به فروش می‌رسد.

و اما در باره کتاب، به جرأت می‌توان گفت که این کتاب یکی از بهترین مقدمه‌هایی است که برای فلسفه نوشته شده است. دیگران که بعد از ویل دورانت به چنین کاری دست زده‌اند، عمدتاً الگوی او را پیش روی خود داشته‌اند. صدها کتاب کوچک و بزرگ در تاریخ فلسفه برای معرفی فلسفه یا در مقام مقدمه‌ای بر فلسفه نوشته شده است.<sup>[۱]</sup> این کتابها معمولاً گام اول برای یادگیری فلسفه و محملی برای نخستین آشنایی علاقمندان به فلسفه‌اند، و گاه دلیل اصلی علاقه به فلسفه نیز می‌شوند. بنابراین، کیفیت چنین کتابهایی از اهمیتی زیاد برخوردار است. زیرا ممکن است در همان وهله اول در خواننده علاقه ایجاد کند و یا برخلاف آن موجب بی‌علاقگی شود.

۱. پیداست در اینجا منظور کتب تک جلدی است. کتابهای تاریخ فلسفه معمولاً در چندین جلد نوشته می‌شود و مخاطب آن هم متخصصان‌اند، مانند مجموعه‌های راتلج (۱۰ جلد)، کاپلستون (۹ جلد)، گاتری (۶ جلد).

مانند هر مقدمه دیگر، خواندن این کتاب کسی را فیلسوف نمی‌کند ولی به یقین خواننده را به حدی که بتواند درکی صحیح از موضوع داشته باشد و پرسش‌هایی هوشمندانه مطرح سازد، با فلسفه آشنا می‌کند، خواننده را به تفکر در باب دنیا و وجود و زندگی وامی‌دارد و سطح تفکر و تأمل در این مسائل را بالا می‌برد. مزیت کتاب در آن است که ویل دورانت با احاطه کامل به موضوع، مطالب را به زبانی نسبتاً ساده و در عین حال نثری فاخر و هر از گاه با چاشنی طنز مخصوص به خود ارائه می‌دهد. مانند استادی شفیق دانشجویان را با ملاحظت خاص خود و به بهترین صورت ممکن نسبت به موضوع نه تنها آگاه بلکه علاقمند می‌سازد. خواننده از خواندن کتابی که ظاهراً باید بسیار سنگین باشد، خسته و دلزده نمی‌شود. پا به پای نویسنده پیش می‌رود و با اشتیاق مطالب را دنبال می‌کند. زندگی فیلسوف را به زبانی شیرین و در عین حال فاخر بیان کرده و خواننده را با محیط پرورشی هریس آشنا می‌سازد و سپس به عقاید و نظرات آنان می‌پردازد. بعضی فصول (مانند فصل مربوط به ولتر) از این نظر بسیار خواندنی است. زیرا جوانب مختلف کار او را، از داستان و نمایش و طنز تا عقاید سیاسی و فلسفی، به طرزی شیوا بیان می‌کند و خواننده از خواندن کتاب لذت می‌برد. از قضا فصل ولتر درست در میانه کتاب قرار گرفته و حکایات شیرین در آن هیچ خستگی ناشی از خواندن کتابی سنگین و فلسفی نمی‌شود. از آنجا که دایره مطالعات ویل دورانت بسیار گسترده است، و نوشته‌هایش نشان می‌دهد که اکثر کتب فلاسفه را مطالعه کرده، به راحتی لب کلام و بهترین و نغزترین بخش‌های حیات و نظرات هر یک از فیلسوفان و متفکرین را استخراج کرده و در منظومه‌ای مرتب و مفهوم به خواننده ارائه می‌دهد. خواننده در عین مطالعه تاریخ فلسفه، با انبوهی از کلمات قصار و جملات نغز و معانی ژرف آشنا می‌شود.

در مورد این کتاب لازم است مطلبی مهم را در نظر داشت. شمار فلاسفه و دانشمندان و آراء و فتاوی‌شان چنان زیاد است که هیچکس قادر به مطالعه و بررسی همه آن‌ها نیست. لیکن هرگاه آراء و رویکرد اینان را دسته‌بندی کنیم، موضوع قابل مدیریت می‌شود. زیرا با وجود اختلافات و تشتت آراء ظاهری، در

مجموع می‌توان فلاسفه را در چند گروه یا نحله محدود دسته‌بندی کرد. این کار تنها از کسی بر می‌آید که تسلط و احاطه کافی بر آن‌ها و عقایدشان و نیز بر موضوعات فلسفی داشته باشد. کاری که ویل دورانت در این کتاب کرده و سبب جذابیت بیشتر کتاب شده آن است که بنا را نه بر آراء بلکه بر شخصیت‌ها گذاشته. فلسفه کلاسیک را در نه فصل ارائه کرده و هر فصل را به یک فیلسوف اختصاص داده و آراء برخی فلاسفه دیگر را داخل هریک از فصول با نظم و ترتیب و زنجیره‌ای منطقی ارائه داده است. فلاسفه بنا بر نظم تاریخی از افلاطون تا نیچه، فصول نه‌گانه را تشکیل می‌دهند. ذیل نام هر فیلسوف، تقریباً همه‌گونه افکار مرتبط را بحث کرده و فلاسفه دیگری را نیز که در آن چارچوب قرار می‌گیرند مورد بحث قرار می‌دهد. در پایان هر فصل نیز نظر انتقادی خود را در چند صفحه اضافه کرده است. مثلاً ایده آلیسم آلمانی در فصل مربوط به کانت گنجانده شده است که در آن به معرفی کامل کانت پرداخته و به اخلاف او به ویژه هگل نیز پرداخته و ارتباطات نظری میان این فلاسفه با روسو در فصلی که عنوان آن «ولتر» است مطالعه شده و تقابل افکارش با ولتر به خوبی بیان شده است. بدین ترتیب کتاب اثری خوش‌خوان از آب درآمده است که در آن هیچ شک و کسل‌کننده بسیاری از کتب مشابه اثری نیست.

خواندن کتب فلسفی خواه قدیم یا جدید حس خاصی به خواننده می‌دهد. به این ترتیب که در همگی آن‌ها ایده‌هایی می‌بینیم که همیشه ارزش مطالعه دارند. از آنجا که از سرشت بشر و جامعه بشری صحبت می‌کنند، در مواردی پر شمار گویا از زمان حال و زبان حال مردمان امروزی صحبت می‌کنند. علاوه بر این، فلاسفه به دلیل هوش ذاتی و مطالعات زیاد تاریخی و تأمل دقیق در اوضاع، وضعیت انسان و جوامع انسانی را به خوبی تحلیل کرده و حتی وضعیت آینده را نیز پیش‌بینی می‌کنند. عدم مطالعه این نوشته‌ها همواره به تکرار اشتباهات و خسران بزرگ جوامع بشری منجر شده است. مکاتب سیاسی و اقتصادی اعم از لیبرالیسم و کمونیسم و ایسم‌های دیگر، همه در گفتار و نوشتار فیلسوفان دیده می‌شود، حتی اگر همان عناوین را به کار نگیرند. نظرات ارسطو در باب اقتصاد اشتراکی و سرشت



انسان در این خصوص طی دو هزار سال هیچ تفاوتی نکرده است. در فصل هشتم، اسپنسر ایده پیاپی شدن عملی سوسیالیسم را چنان دقیق مطرح می‌کند که گویی پس از روی کار آمدن استالین مطرح شده باشد. در همان فصل، ویل دورانت خود در تحلیل اسپنسر و زوال شهرت او در انگلستان در اوایل قرن بیستم، پیش‌بینی می‌کند که با تجدید حیات لیبرالیسم در انگلستان، اسپنسر مجدداً مطرح خواهد شد. وضعیتی که در قرن بیستم و به ویژه با روی کار آمدن مارگارت تاچر در انگلستان در اواخر قرن بیستم شاهد آن بودیم. در فصل نهم، نیچه در مطلبی که سال ۱۸۸۷ نوشته می‌گوید در کمتر از ۵ سال آینده حکومت‌های اروپایی برای کنترل بازارهای جهانی وارد جنگ عظیمی خواهند شد؛ و ادامه می‌دهد که شاید اروپائیان از این دیوانگی درس گرفته و به اتحاد روی آورند. هردو پیش‌بینی با دقتی عجیب رنگ واقعیت گرفت. در فصل یازدهم، سانتیانا پیش‌بینی می‌کند که سرمایه‌گذاری بین‌المللی نیاز به جنگ برای کنترل بازارهای جهانی را تقلیل خواهد داد.

روش معرفتی فلاسفه در این کتاب بیشتر تحلیلی است تا صرف معرفتی فیلسوف و آراء ایشان. کتاب فقط بر شخصیت فیلسوفان بزرگ متمرکز نیست، و به قول زنده‌یاد دکتر زریاب به «شغل شریف گورنگاری» نمی‌پردازد (نقل قول از دکتر محمدعلی موحد). زمینه تاریخی و اجتماعی را که فیلسوف در آن برانگیخته و ایده‌ای در ذهنش جوانه زده است را توضیح داده و روشن می‌سازد. به عبارت دیگر، تاریخ به روش تحلیلی و علمی بازگو می‌شود. عیب این روش در آن است که گاه انسان تحریک می‌شود زندگی شخصی و گذشته فیلسوف را بیش از اندازه در تحول و تطور عقایدش مؤثر بدانند. این وضعیت در کتاب حاضر در خصوص شوپنهاور و نیچه تا حدی دیده می‌شود. اما در مجموع تردیدی نیست که زمینه‌های تاریخی و اجتماعی و اقتصادی در هر برهه در سیر تفکر و شکل‌گیری مکاتب فکری و فلسفی نقش اساسی دارد و معرفتی شخصیت‌های تاریخی بدون روشن‌سازی و توضیح آن زمینه‌ها ناقص خواهد بود. به همین دلیل، ویل دورانت شرح و مقدمه‌ای موجز ولی غنی بر هر بخش افزوده که در آن وضعیت تاریخی و فرهنگی دوره مورد مطالعه را تشریح کرده و خواننده را برای درک بهتر آن دوره آماده می‌سازد. نیز،



بهترین و نغزترین آراء فیلسوفان را انتخاب کرده و در مواقع مقتضی و به زبان خود به خواننده ارائه می دهد. بدین ترتیب، کتاب را می توان به دیده راهنمایی برای بهتر فکر کردن و بهتر زندگی کردن نیز نگاه کرد. کتاب پُر است از پندها و اندرزها و روش هایی که دید و شناخت صحیحی به انسان نسبت به دنیا و زندگی و حتی آخرت به دست می دهد.

در خواندن کتاب ممکن است احساس شود ویل دورانت تمایلات فلسفی خود را در اشاره به فلاسفه مختلف دخالت داده است. از یک سو در اشاره به آنانی که با تمایلات فلسفی او قرابت بیشتری دارند سنگ تمام گذاشته و صفحات بسیاری را به شرح حال و آثار و آراءشان اختصاص داده، مانند اسپینوزا و بیکن و ولتر و کانت. در عوض نسبت به دیگران به اشاره ای کوتاه در چند صفحه بسنده کرده، مانند هگل. نیز در نقد و تیش و کنایه نسبت به دسته دوم کوتاهی نکرده است. نمی توان این روش را جانبدارانه به آن معنا تفسیر کرد، زیرا در آن صورت کتاب به هیچ وجه به شهرتی که دارد نمی رسد. بلکه او از هر برهه یا هر مکتب فلسفی نماینده ای انتخاب کرده و به واسطه آن، آن برهه و یا آن مکتب را تشریح کرده است. تمایلات شخصی بیشتر در انتخاب چنان نماینده ای ممکن است احساس شود. مثلاً مکتب ایده آلیسم آلمانی را عمدتاً به کانت و شرح حال و فلسفه او اختصاص داده و حدود ۲۰ صفحه راجع به او نوشته است. در عوض هگل را در ۸ صفحه بحث کرده است. فیخته و شلینگ و دیگران را فقط نام برده است. طبعاً کانت آغازگر این راه بود و شروع بحث با او امری است طبیعی. لیکن می توان از میان سطور احساس کرد که تمایل بیشتری به کانت دارد تا هگل. برخی دیگر مانند شوپنهاور، اسپنسر، نیچه، و ولتر، به نسبت دیگران صفحات بیشتری به خود اختصاص داده اند. از فیلسوفان مادی گرا نیز فقط نام برده است (هابس، مارکس، هولباک، فوئرباخ...)

مانند هر مؤلفی که تاریخ فلسفه می نویسد، ترجیح بعضی فلاسفه امری طبیعی است. نکته مثبت آن اینجاست که بعضاً از فلاسفه ای که دیگران کمتر به آن می پردازند از این طریق معرفی کاملی به دست می دهند. مثلاً در ایران فرانسیس بیکن و هربرت اسپنسر در مقایسه با دیگر فلاسفه مشهور کمتر معرفی شده اند و

آثارشان کمتر خوانده شده است. در حالی که فلسفه این دو حاوی نکاتی بسیار مهم است و در تحول فکری و نگاه انگلستان به دنیا در عصر گسترش قدرت این کشور به همه دنیا تأثیر به سزایی داشته. ویل دورانت در این کتاب معرفی کاملی از این دو به دست می‌دهد. در مورد ولتر نیز معمولاً در ایران بیشتر حکایات و داستانهای او خوانده می‌شود و کمتر به جنبه فلسفی این انسان چند بُعدی توجه شده است. بیشتر کتابهای مشابه نیز ولتر را از این دید مطرح نمی‌کنند. مثلاً، برتراند راسل در کتاب معروف خود در این ژانر («تاریخ فلسفه غرب») که حدود هزار صفحه است، اشاره‌ای به ولتر ندارد، مگر نام بردن از او به صورت پراکنده و اتفاقی. حال آنکه آشنایی با چهره فلسفی ولتر برای خواننده بسیار مفید واقع خواهد شد.

در اینکه ویل دورانت صلاحیت کامل برای خلق چنین اثری دارد هیچ تردیدی نیست. او چنان مشخص و برجسته هستند که نیازی به معرفی او دیده نمی‌شود. کافی است اشاره‌ای بکنیم به مجموعه ۱۱ جلدی «تاریخ تمدن» که در ده هزار صفحه و حاوی چهار میلیون کلمه طی چهل سال نوشته شده است.

کتاب پیش رو مانند هر اثر دیگر خالی از عیب نیست. ویل دورانت خود در مقدمه ویراست دوم به برخی کمبودها اشاره کرده است. مانند عدم اشاره به فلاسفه مدرسی و اختصاص صفحات بیشتر به برخی فلاسفه. همانطور که گفته شد این کتاب بر مبنای شخصیت‌های فلسفی نوشته شده و نه نحله‌های فلسفی و موضوعاتی همچون هستی‌شناسی در لابه‌لای این مسائل بحث می‌شود که در توصیف کانت به آن پرداخته می‌شود. از هیچ‌یک از نمایندگان اصالت وجود، به ویژه کیرکگور، نیز بحثی نکرده، هرچند یک فصل در باب نیچه تا حدودی این زمینه را پوشش داده است. ویل دورانت در مقدمه چاپ اول نیز از اینکه به فلاسفه پیش - سقراطی و بعضی مکاتب یونان مانند رواقی و کلبی و اپیکوری، و نیز فلاسفه مدرسی پرداخته نشده اشاره می‌کند. همانجا اشاره دارد که نسبت به «معرفت‌شناسی» نیز نظر خوبی ندارد و فکر می‌کند این جریان بیشتر به فلسفه ضرر زده و فلسفه را از مسیر اصلی یعنی نگاه ترکیبی به تجربیات بشری و به وحدت آوردن تکثرها منحرف کرده است.

طبعاً این نظر ویل دورانت است و ظاهراً دلیل آن تازگی طرح معرفت‌شناسی در مقام شاخه‌ای کاملاً مجزا در فلسفه باشد، و یا نظر نامساعد او بر تکرر در این رشته. زیرا بحث شناخت مطلب جدیدی نیست و از روزگاری دور مطرح بوده و ویل دورانت خود در معرفی فیلسوفان بارها به جوانب مختلف این مطلب و انواع شناخت و عقاید فلاسفه در این مبحث اشاره می‌کند. نظر دورانت نیز بیشتر بر طرح آن به عنوان رشته‌ای مجزا در فلسفه است. در مجموع جهت مباحث این کتاب «فلسفه» به عنوان یک کل است برای وحدت دانش‌های مجزا نه معرفی مستقل شاخه‌ها و گروه‌های گوناگون. جهت فکری ویل دورانت نیز مانند فلاسفه کلاسیک در این مسیر یعنی نقش فلسفه در مقام ترکیب و وحدت دانش‌های بشری برای علتی غایی است. به هر روی، کتاب حاضر همانگونه که او بارها گفته است تاریخ کامل فلسفه نیست بلکه سعی شده با تمرکز بر شخصیت‌های برجسته فلسفه نگاهی کلی به فلسفه بیندازد و مقدمه‌ای مفید برای علاقمندان باشد.

انتقادی که به ویل دورانت وارد شده و خود او نیز به آن اذعان دارد، پرداختن به فیلسوفان یونان و به طور کلی فلسفه غرب است. اثری از تفکر فلسفی شرقی، خواه ایران باستان و یا مصر و چین و هند و اسلام این کتاب نیست. در مواردی تأثیر این کاستی آشکارتر است. مثلاً در فصل مربوط به تلاش او را در درک تاریخ توضیح می‌دهد و اینکه چگونه ولتر به جای پرداختن به وقایع و جنگ‌ها و پادشاهان سعی کرد قوانین تاریخ را کشف کند، و نتیجه می‌گیرد که «ولتر نخستین فلسفه تاریخ را ابداع کرد». کارهای ولتر در این باره بسیار ارزشمند است، ولی علاوه بر اینکه پیش از او در اروپا کسانی مانند جیووان ویکو<sup>۱</sup> به این موضوع پرداخته‌اند، علمای تاریخ مانند ابن خلدون اساساً برای ویل دورانت ناشناخته مانده. این کاستی، یعنی اشاره به فرهنگ و تمدن غیراروپایی، تا حدودی در مجموعه یازده جلدی تاریخ تمدن رفع شده است. بخشی از این کمبود نیز ممکن است به دلیل عدم آشنایی ویل دورانت با زبانهای عربی و چینی و هندی باشد. ویل دورانت



تا آنجا که می‌تواند سعی دارد از متون اصلی بهره گیرد. زبانهای فرانسه و لاتین و یونانی باستان را نیک می‌شناسد. والدین او کاندایی فرانسه زبان بودند و در نتیجه این زبان را خوب می‌دانست. خود نیز در دانشگاه زبانهای لاتین و یونانی و احتمالاً آلمانی را به خوبی فرا گرفته بود.

دو فصل آخر به فیلسوفان قرن بیستم اروپا و امریکا اختصاص دارد. با توجه به اینکه این کتاب در ربع اول قرن بیستم نوشته شده است، بدیهی است از این جهت محدود باشد. در میان اروپائیان، برگسون، کروچه، و برتراند راسل معرفی شده‌اند (فصل دهم)؛ و از فیلسوفان امریکایی هم به سانتیانا، جیمز، و دیوئی پرداخته شده است (فصل یازدهم). بنابراین، فرصتی برای تشریح شخصیت‌هایی مانند هایدگر، سارتر، ویتگنشتاین، پوپر، چامسکی، فوکو، هابرماس، مارکوزه، و سایر متأخرین نبوده است. نباید این وضعیت را نقصی برای کتاب (به عنوان مقدمه‌ای بر فلسفه) به شمار آورد. زیرا ایده‌ها و افکار اصلی در فلسفه در کتاب به حد کافی معرفی شده است. فلسفه نیز مانند علوم دیگر در قرن بیستم دچار تکثر شد و هر فیلسوفی آراء خود را در رشته‌ای خاص از فلسفه به دنیا معرفی کرد.

همانطور که گفته شد، نحله‌های فلسفی در مجموع تفاوت چندانی ندارند. به یک معنا و با دیدی کلی، دو شاخه اصلی فلسفه همان است که از زمان افلاطون و ارسطو به جای مانده و مکاتب دیگر به گونه‌ای به یکی از این دو شاخه مربوط است. در معنایی دیگر، تکثری واقعی دیده می‌شود ولی هنوز نکات مشترک بسیاری در این مکاتب به چشم می‌آید. مقصود این کتاب کوچک نیز معرفی همه فلسفه و شاخه‌های آن نیست. بلکه مقدمه‌ای است برای کسانی که به این رشته علاقه‌مند هستند یا می‌خواهند از آن آگاه شوند. در مقام «مقدمه‌ای بر فلسفه»، این کتاب وظیفه خود را به خوبی ایفا کرده است. چنانکه گفتیم، وظیفه این گونه کتابها آن است که خواننده را به حدی که بتواند درکی صحیح از موضوع داشته باشد و پرسش‌های هوشمندانه مطرح سازد، با فلسفه آشنا می‌کند. چنانکه عنوان شد، کتاب حاضر از ابتدای انتشار با استقبال بی‌مانند روبه‌رو شد.

نام کامل کتاب هنگام اولین انتشار عبارت بود از «تاریخ فلسفه: زندگی و آراء فیلسوفان بزرگ».<sup>[۱]</sup> ولی معمولاً به «تاریخ فلسفه» شهرت دارد (یا حکایت فلسفه). کتاب در دو سال اول انتشار (۱۹۲۶-۱۹۲۷) بیست و یک بار تجدید چاپ شد و در دویست هزار نسخه به فروش رفت، که برای کتابی فلسفی رقمی شگفت آور است. این استقبال تا به امروز ادامه دارد و بسیاری از علاقه‌مندان هنوز به خرید و خواندن آن اقدام می‌کنند.

با توجه به اینکه بیشتر کتابهای ویل دورانت به فارسی ترجمه شده و خوانندگان با ایشان آشنايند، نیازی به معرفی کامل شخص وی نیست. تنها در چند سطر اشاره‌ای به این شخصیت کافی است: ویلیام جیمز دورانت<sup>[۲]</sup> که عموماً ویل دورانت شناخته می‌شود در سال ۱۸۸۵ در ایالت ماساچوست آمریکا به دنیا آمد و در سال ۱۹۸۱ در ۹۶ سالگی از دنیا رفت. در سال ۱۹۱۳ با آریل ازدواج کرد. این دو پس از ۶۸ سال زندگی مشترک به فاصله کمتر از دو هفته از دنیا رفتند. همسرش هم به تاریخ و فلسفه علاقه‌مند بود و بخشهایی از مجموعه ۱۱ جلدی تاریخ تمدن با شراکت او نوشته شده است. تمام عمر او یا به تحقیق و نوشتن و یا در سفرهای علمی گذشت. برای تحقیق و کسب تجربه دست اول به اکثر مناطق و کشورهای جهان سفر کرد. به مناطق دوردست در اروپا و هندوستان مصر و چین و ژاپن و روسیه سفر کرد، که یادآور سفرهای علمی دانشمندان قدیم است.

## ب- در باب ترجمه

### ب-۱- سبب ترجمه

این کتاب نزدیک به هفتاد سال پیش به دست زنده‌یاد دکتر عباس زریاب خوئی به فارسی ترجمه و منتشر شد<sup>[۳]</sup> و استقبالی بسیار خوب نیز از آن به عمل آمد و هنوز

1. *The Story of Philosophy, The Lives and Opinions of the Greater Philosophers.*

2. William James Durant

۳. «تاریخ فلسفه»، ویل دورانت، ترجمه عباس زریاب خوئی، تهران، ۱۳۳۵، چاپ دانش: انتشارات فرانکلین. پس از انقلاب توسط انتشارات علمی فرهنگی تجدید چاپ می‌شود. مؤسسات دیگر نیز این کتاب را چاپ کرده‌اند از جمله کتابهای جیبی-امیرکبیر (۱۳۵۷).



نیز تجدید چاپ می‌شود. بنابراین پرسش از ضرورت ترجمه مجدد آن پرسشی به جاست. نخست، ترجمه مجدد کتابهای بزرگ و ماندگار امری معمول است و برای فرهنگ کتابخوانی فوایدی فراوان دارد. اینگونه کتابها درعین اینکه هیچگاه کهنه نمی‌شوند، ولی به مرور زمان ممکن است تنها بدین علت که سالها پیش ترجمه و منتشر شده دیگر جزو انتخابهای نخست برای کتابخوانی قرار نگیرند. ترجمه جدید از کتابهای کلاسیک مانند تصحیحی نواز کتابهای ادبیات است که موجب استمرار علاقه و جذب خوانندگان جدید می‌شود. به عبارت دیگر، کتابهای جاودان که طراوت خود را حفظ می‌کنند ممکن است به مرور زمان به فراموشی سپرده شوند و ترجمه‌ای تازه در اینکه نسل جدید به آن روی آورد حتماً موثر واقع خواهد شد.

دوم، پس از هفتاد سال، زبان فارسی دچار تحول شده است؛ نه تنها زبان عمومی، بلکه ویژه زبان تخصصی فلسفه. کتابها و مقالاتی بی‌شمار در رشته فلسفه تألیف و ترجمه شده و ناگزیر این رشته تحولاتی فراوان داشته است. ترجمه بیشتر کتابهای فیلسوفان بزرگ از افلاطون و ارسطو تا اسپینوزا و کانت و شوپنهاور و نیچه، همه بعد از ترجمه مرحوم زرین‌کوب از کتاب حاضر به عمل آمده و واژه‌های جدید در این ترجمه‌ها معرفی شده یا جاافتاده است. واژه‌ها امروز برای نسل جوان کاملاً بیگانه است.<sup>۱)</sup> علاوه بر این، زنده‌یاد زرین‌کوب با تناسب زمان ترجمه یعنی دهه ۱۳۳۰ عبارات و کلمات عربی و حتی اشعار عربی بسیاری را وارد متن

۱. مثلاً «زن صفتی» معادل فمینیسیم به کار رفته که نه تنها اکنون واژه‌ای ناآشناست بلکه ارتباطی به معنای واقعی این واژه ندارد. نمونه‌های دیگر بسیار زیاد است. به عنوان نمونه تطور (تکامل)، علم الجمال (زیبایی‌شناسی)، علم الوجود (هستی‌شناسی)، شناسایی‌نگری (معرفت‌شناسی)، تحلیل روحی (روانکاوی)، علم ظواهر ارواح (پدیدارشناسی روح)، اصطلاحات علوم دیگر نیز همان وضع را دارد. به عنوان نمونه: ذوق‌فکار (مهره‌داران)، ذوات الاذئاب (سیارک، دنباله دار)، سحب مضینه (سحابی)، اجزاء لایتجزاء (اتم)، جهاز هاضمه (دستگاه گوارش)، علم النفس (روانشناسی)، مبصرات (حس بینایی)، مشمومات (حس بویایی)، ابقاع (ریتیم یا ضرب‌آهنگ موسیقی)، برخی واژه‌های عادی نیز اکنون دیگر به کار برده نمی‌شود. مثلاً ادناس (آلودگی)، شجرالنبع (شاه‌بلوط)، رساله اجتهادیه (تز دکتر)، مهندسی کشوری (راه و ساختمان یا عمران)، بحر روم (مدیترانه)، جوع البقر (پر خوری روانی، بولیومی)، اقتراح (فراخوان)، اصغای دروس (گوش دادن به درس)، کعبتین مزور (تاس دست‌کاری شده)، تعقید (کره خورده، پیچیده)، و ده‌ها واژه دیگر.

کرده است که فهم آن را برای دانشجوی امروزی مشکل می‌سازد. اشعار عربی از ابوالعلائی معری، حلاج، سبزواری، ابن سینا، و سایر شعرای عرب در متن ترجمه به کار گرفته شده است. در موارد دیگر نیز به تناسب مطلب اشعار فارسی از سعدی و حافظ و مولوی و فردوسی در متن ترجمه داخل شده است، که هرچند برای زیبایی مطلب مفید است ولی امروزه دیگر در ترجمه‌ها به ویژه ترجمه‌های تخصصی و علمی مرسوم نیست.

سوم، ترجمه زنده‌یاد زریاب در عین اینکه بسیار استادانه است، هنوز جای بهبود دارد. و مانند هر کتاب دیگر، از آفات اشتباهات ترجمه در امان نیست. این مورد طبعاً برای کتاب و به ویژه ترجمه استادانه زنده‌یاد زریاب عیب محسوب نمی‌شود، بلکه سبب می‌شود ترجمه جدید با دقتی بیشتر انجام شود. برای اطمینان از صحت ترجمه جدید، مترجم حاضر پس از ترجمه، یک بار متن خود را با ترجمه زریاب خط به خط مقابله کرد. این کار هم به غنای ترجمه حاضر افزوده و هم اشتباهات آن ترجمه را آشکار کرده است. حتی در مواردی که ترجمه‌ها مطابقت نداشت، ناگزیر به متن ترجمه‌ای مراجعه شد که گاه بسیار مفید بود. مواردی اندک صرفاً خطای دید یا تشابه واژه‌ها در متن اصلی است و همانگونه که گفته شد هیچ مترجمی از این آفت در امان نیست. مواردی نیز وجود دارد که یک جمله یا عبارت جا افتاده است که همان وضعیت را دارد. موارد دیگر را می‌توان به کمبود منابع نسبت داد. امروزه بسیاری از نقل قول‌ها یا اصطلاحات محلی را به راحتی می‌توان با جستجویی ساده در اینترنت فراگرفت و طبعاً در آن زمان چنین امکانی نبود و موجب سوء تفاهم می‌شد. ویل دورانت در جهت شیوایی متن، کلمات یا عبارات بسیاری از کتاب مقدس و یا شکسپیر و سایر شعرا و نویسندگان غربی و لاتین در متن خود آورده بدون آنکه به آنها اشاره کند یا در گیومه باشد که برای متن اصلی امری است معمول؛ چنانکه ما نیز در فارسی چنین می‌کنیم. یافتن اصل مطلب امروزه تنها با جستجوگرهای اینترنتی آسان است و طبعاً نمی‌توان انتظار داشت در آن زمان به این موارد نیز توجه صورت می‌گرفت. علاوه بر نقل قول‌ها، اشاره به اسامی خاص یا موسسات و نهادهای قدیمی نیز همین وضع را

دارد و بدون جستجوگرهای امروزی امکان سوء تفاهم در معنای دقیق آنها زیاد است. در مواردی نیز اشتباه در متن اصلی است که آن هم به مدد امکانات امروزی قابل کشف است.

چنانکه گفته شد، موارد پیش گفته به هیچ عنوان در مقام ایراد به ترجمه استاد زریاب نیست و پیداست چنین جسارتی از مترجم حاضر غیرممکن است. آن اثر مقام فاخر خود را برای همیشه حفظ خواهد کرد. این سطرها تنها در جهت توضیح اسباب ترجمه‌ای جدید از این کتاب بزرگ یاد شد.

#### ب-۲- توضیحات متن ترجمه

طبعاً مترجم حاضر کوشیده است با وفاداری کامل به متن ترجمه‌ای حتی الامکان صحیح و مفید به دست دهد. واژه‌های خاص فلسفی و علوم دیگر از آخرین و جافتاده‌ترین اصطلاحات روز انتخاب و ترجمه و به منابع بسیاری در این باب مراجعه شده است.

برخی ارجاع‌های موجود در پانوسهای متن اصلی حذف شد. از یک سو با گذشت بیش از یک قرن از منابع اشاره شده، نظام ارجاع‌ها در کتاب فایده‌ای خاص برای خواننده نخواهد داشت. از سوی دیگر، امروزه مراجعه به تک تک این منابع از راهی کاملاً متفاوت به عمل می‌آید و یافتن هر ارجاع در بستر اینترنت با روشی نو و سوای آنچه منظور کتاب است میسر می‌باشد. در عوض مترجم حاضر هر جا لازم دید توضیحاتی در پانوس اضافه کرد. برای تفکیک توضیحات مولف از مترجم، حرف (م) به معنای آن است که حاشیه به دست مترجم اضافه شده و حرف (ف) یعنی عبارت متعلق به مؤلف است.

فهرستی از نامهای اشخاص به آخر کتاب اضافه شده است که سعی بر آن بوده تا کامل باشد. ممکن است فهرست طولانی به نظر برسد، ولی یک دلیل طولانی شدن آن این است تا از نوشتن صورت اصلی یعنی لاتین این اسامی در متن یا در پانوس اجتناب شود. در ضمن توضیحی در حد نیم خط برای هریک اضافه شده تا خواننده از دلیل شهرت و عصری که هریک زندگی می‌کرد آگاه شود.

واژه‌نامه‌ای فارسی-انگلیسی نیز به آخر کتاب اضافه شده است. منظور از واژه‌نامه ارائه لغتنامهٔ فلسفی نیست، بلکه معادل فارسی واژه‌های تخصصی که نویسندگان به زبان انگلیسی و گاه لاتین (و بعضاً فرانسه و آلمانی) در این کتاب به کار برده فهرست شده است. واژه‌ها ضرورتاً فلسفی به معنای اخص کلمه نیست، بلکه اصطلاحات علوم دیگر نیز فهرست شده است تا از یک سو خواننده در صورت علاقه یا نیاز بتواند متوجه شود معادل انگلیسی اصطلاحات فارسی که به کار رفته چیست، و از سوی دیگر نیازی به نوشتن صورت اصلی یعنی لاتین اصطلاحات در متن یا در پانویس نباشد.

در اینجا لازم است سپاس و قدردانی خود را از زحمات بی‌شائبه و همیشگی دوست فاضل جناب آقای سعید رضادوست که خود دستی شایسته بر قلم دارند و از هنرهای بسیاری بهره‌مندند تقدیم دارم. ایشان ویراستاری کتاب را بر عهده گرفتند و در آماده ساختن کتاب متحمل زحمت زیادی شدند. بدون مساعدت ایشان، این کار به سرانجام نمی‌رسید. نیز واجب است از موسسهٔ وزین انتشارات تگ و جناب آقای عابد قدسی که به نشر کتاب فاخر در علوم انسانی همت گماشته‌اند، سپاسگزاری نمایم.

بهمن ۱۴۰۲

فوریه ۲۰۲۴